

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ح. آزاد
فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ جون ۲۰۱۴

سوژه انقلابی

(بررسی و نقد فراسوی سرمایه، اثر مایکل لیبوویتز)

۴

انتقادات:

۱- انتقاد رابرت آلبریتون:

آلبریتون به پیروی از مکتب مارکسیست های جاپانی اونو و سکین معتقد است که تحلیل جوامع سرمایه داری در سه سطح تجرید انجام می گیرد:

الف - نظریه سرمایه ناب

ب - نظریه مراحل سرمایه داری

ج - تحلیل تاریخی مشخص

در سطح سرمایه ناب : منطق درونی سرمایه همچون نظام کالائی عام تحت سلطه قانون ارزش و بدون دخالت عوامل فوق اقتصادی موضوع بررسی است. سرمایه ارزشی است که در جریان حرکت خود فزونی می یابد و با جذب ارزش افزوده هر بار حرکت خود را با قدرتی بیشتر از سر می گیرد. او در این حرکت، عوامل دیگر نظیر کار، ابزار تولید و عوامل طبیعی را همچون وسیله تابع خود و به لحظه ای از گردش خویش تبدیل می کند و این تنها دلیل است که پیوند درونی مقولات ارزش قانون گونه عمل می کنند. طبیعی ست که واقعیت سرمایه داری از چنین وضعیتی فاصله دارد و این يك حالت مجرد فرضی است که عوامل غیر از سرمایه، مثل کار تا آنجا در نظر گرفته می شوند که از جنس ارزش و تابع روابط ارزشی باشند.

به همین دلیل سه جلد سرمایه توصیف کاملی است از سرمایه ناب و در این سطح از تجرید نیازی به تکمیل ندارد و طرح ناتمام بودن یا يك سویه بودن آن قضاوتی نابجا است.

نظریه مراحل : سرمایه در سلطه اقتصادی بر سه کالای زمین، نیروی کار و پول با مشکلات فراونی رو به رو است و ما اگر از سطح مجرد سرمایه ناب به سطح مشخصتری گذر کنیم که ویژگیهای این سه کالا را در رو به رو شدن و مقاومت در برابر روابط ارزشی در نظر بگیریم، شکل و درجه ادغام آنها در مناسبات سرمایه می تواند کلیدی برای مرحله بندی سرمایه داری در اختیار ما قرار دهد.

تحلیل مشخص تاریخی : برای تحلیل هر کشور معین در دوره معین تاریخی باید به سطح مشخص تری گذر کرد و سابقه تاریخی و عوامل سیاسی و فرهنگی ویژه آن را نیز در نظر گرفت.

آلبرتون با این پیش زمینه فکری اثر لیووتیز را مورد انتقاد قرار می دهد: کتاب سرمایه تحلیلی است در سطح بالایی تجرید که روابط درونی سرمایه را در حالت ناب خود تصور می کند و در این سطح از تجرید نظریه مناسبی نیز درباره کارمزدی ارائه می کند که طبیعتاً کارگران را در حالت انفراد و پراکندگی و نه در حالت اتحاد و مبارزه طبقاتی در نظر می گیرد. بدین ترتیب کتاب سرمایه کتابی است کامل و نمی توان از يك سوپه بودن آن سخن گفت. تلاش لیووتیز برای وارد کردن دیالکتیک کارمزدی به قانون ارزش، منطق سرمایه را ضعیف می کند. اگر عملکرد سرمایه به طور پیوسته توسط نیروهای خنثی شود که علیه آن عمل می کنند، مقولات ارزش و منطق خودافزایی آنها ضرورت درونی و قانونبندی خود را در مقابل سیاست طبقاتی در زمان و مکان مشخص از دست می دهند. به بیان آلبرتون: "از سرمایه به عنوان نظریه سرمایه به طور عام نمی توان انتظار داشت که میدان در حال تغییر مبارزه طبقاتی را با تمام ویژگیهای تاریخی و تجربیاتش نظریه پردازی کند. این موضوع می تواند برای تحلیل (تاریخی مناسب باشد. اما مؤکداً برای مطالعه منطق درونی سرمایه شایسته نیست)." (۷۷)

انتقاد ورنر بونهفلد

بونهفلد تردید دارد که راز بازسازی انتقادی کتاب سرمایه در کشف مبارزات کارمزدی نهفته باشد. به نظر او برای این کار باید نظر مارکس در باره بتوارگی مناسبات سرمایه داری را عزیزتگاه نقد قرار داد: سرمایه و کار به سادگی در مقابل يك دیگر قرار ندارند؛ سرمایه محصول وجود کار از خود بیگانه است. کاری که توسط يك قدرت ظاهراً غیرانسانی، قدرت سرمایه، به انقیاد درآمده است. مارکس در نقد خود از اقتصاد سیاسی وابستگی سرمایه به کار را نشان می دهد؛ سرمایه صرفاً از کار و به وسیله کار وجود دارد و کار زنده جوهر ارزش است. او در نقد خود از مقولات اقتصادی توضیح می دهد که آنها شکل وارونه پراکسیس اجتماعی انسانی اند که همچون اشیاء و نهادهای عینی در برابر آنها قد علم کرده اند:

"راز و رمز شکل کالا صرفاً در این امر نهفته است که این شکل سرشت اجتماعی کار انسان را در چشم او، همچون سرشت شیء واره خود این محصولات، همچون اجتماعیت یافتن ویژگی طبیعی چیزها نمایان می سازد و از همین رو رابطه اجتماعی تولیدکنندگان را با کل کار به صورت رابطه (اجتماعی بین اشیاء که خارج از انسان وجود دارد، در نظر او جلوه می دهد)" (۷۸)

پس به نظر بونهفلد به جای نقد مثبت که ساختارهای سرمایه داری را همچون جهان عینی خارج از کار و در مقابل کار قرار می دهد و تلاش می کند تا مبارزات او را از این مناسبات استنتاج کند، باید نقد منفی را برگزید که کالا، پول، سرمایه و سایر ساختارهای عینی سرمایه داری را محصول پراکسیس اجتماعی انسانها می داند. محصولاتی که منشای انسانی خود را نفی کرده و همچون نیروی مستقل بر آن مسلط شده اند. او اضافه می کند که لیووتیز اساس کار خود را بر استنتاج کار از منطق عینی سرمایه قرار می دهد، اما به وارونگی و بتوارگی مقولات سرمایه داری نیز اشاره می کند؛ غافل از این که این دو روش در تناقض و تصادم با يك دیگر قرار دارند.

انتقادهای دیگر

کولین بارکر، کمپل و توتان و پانیچ و گیندین در انتقادهای جداگانه ای نکته هائی را مطرح کرده اند که در مجموع می توان آنها را به شکل زیر دسته بندی کرد:

۱- نادیده گرفتن رقابت بین سرمایه ها: اغلب منتقدان بر این نکته توافق دارند که لیووتیز تنها به رابطه عمودی بین سرمایه و کارمزد توجه دارد، بدون آن که رابطه افقی بین سرمایه ها و رقابت بین آنها را در نظر گیرد.

۲- **بی توجهی در مورد نیازهای کاذب: کمپل و توتان** بر این نظرند که **لیبوتیز** به ارضاء نیازها در رابطه با سطح مزدها و در مقایسه با سطح بارآوری نیروهای بارآور می پردازد، اما به مسأله ارزیابی اخلاقی نیازها و تمایز بین "نیازهای راستین" و "نیازهای کاذب" توجه نمی کند. این مسأله که کدام نیاز در خودتکاملی فرد مؤثر و کدام يك در آن نقشی ندارد، در نقد سرمایه داری و فراتر رفتن از آن از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۳- **عدم تمایز بین استثمار و ستم:** مردها در جریان شکلگیری پدرسالاری، قدرت استفاده از وقت زنان و کودکان را برای تولید ارزشهای مصرف لازم برای خودشان در درجه اول و بعد کل خانوار به دست آورده اند. **لیبوتیز** در اثر خود "فراسوی سرمایه" از این مسأله به عنوان منبع ارزش "**Exploitation**" استثمار نام می برد. بدین ترتیب او تمایز بین استثمار را مخدوش می کند که (**oppression**) اضافی که انباشت آن هدف سرمایه است و ستم جنسی برای بازتولید نیروی کار به طور روزمره و نسلی به کار گرفته می شود.

۴- **ارزیابی کتاب فراسوی سرمایه:** منتقدان غالباً تاکید **لیبوتیز** بر ناکامل بودن برنامه تحقیقاتی مارکس و عدم نگارش کتاب کارمزدی را به عنوان فتح بابی بر اقتصاد سیاسی و سیاست طبقه کارگر می پذیرند، آغازی برای تدوین نظریه مزد، لایه بندیهای درون طبقه، اتحادیه های کارگری، (احزاب کارگری، دولت کارگری و غیره). ۷۹.

منابع:

۱- این مسأله جنبه های متعددی دارد که پرداختن به آنها بررسی مستقلی را می طلبد که از معرفی اثر **لیبوتیز** فراتر می رود.

۲- آندره گرز، وداع با پرولتاریا، ص ۲۱

۳- کاستوریادس، ك، "درباره تاریخ جنبش کارگری"، مجله تلوس، شماره ۳۰-۳۵ و رومان روسدلسکی،

۴- مراجعه کنید به گروندریسه، ترجمه باقر پرهام - احمد تدین، ص ۳۶ شکل گیری کتاب سرمایه ص ۱۰

۵- مجموعه آثار مارکس و انگلس (انگلیسی) (جلد ۴۰، ص ۲۷۰)

۶- مجموعه آثار مارکس و انگلس (انگلیسی) (جلد ۴۰، ص ۲۸۷)

۷- مجموعه آثار مارکس و انگلس (انگلیسی) (جلد ۴۰، ص ۲۹۸)

۸- مجموعه آثار مارکس و انگلس (انگلیسی) (جلد ۴۰، ص ۳۷۶)

۹- مقدمه "سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی."

10- Oackley, A. the Making of Marx Critical theory, 1983, p.105.

and Lapides, K. Marxs Wage Theory, 1998. p 220.

۱۱- مجموعه آثار مارکس و انگلس (انگلیسی) (جلد ۴۲، ص ۳۲۸)

12- Rosdolsky, Roman (1977) *The Making of Marx's 'Capital'* 1997, p.16.

۱۳- ۱۵- همانجا، ص ۲۲

14- R, Willbrandt, Karl Marx. 1920, p 97.

15- Grossmann, H. „Die Änderung des Aufbauplans des Narschen „Kapital“ und ihre Ursachen“ in archiv Für die Geschichte des sozialismus und der arbeitbewegung, 1929 pp 305-338.

16- Rosdolsky, Roman (1977) *The Making of Marx's 'Capital'* 1997, p.24.

- ۱۷- روسدلسکی نشان می دهد که مارکس چهارده بار طرح خود را تغییر داده است، همان اثر ص ۵۵
- ۱۸- گروندریسه، جلد اول، ترجمه باقر پرهام و احمد تدین، ص ۲۵. این موضوع حائز اهمیت فراوان و نیاز به نوشتاری مستقل دارد.
- ۱۹-۳۱- همان منبع از روسدلسکی، ص ۴۰
- ۲۰- برخی از مفسران مثل مانفرد مولر و وینفريد شوارتز معتقد به وجود سه سطح کلی تجرید، یعنی عام، خاص و یگانه هستند و برخی دیگر مثل روبرتو فینه چی چهار سطح کلی تجرید را پیشنهاد می کنند. يك سطح صفر که شامل کالا و پول است و سه سطح عام، خاص و یگانه برای سرمایه.
- ۴۱- و تونی اسمیت، منطق سرمایه، نیویورک، ۱۹۹۰- / ۲۱ روسدلسکی، همان اثر، ص ۵۲
- ۲۲- به نظر و. شوارتز این ادعا تا حدی اغراق آمیز است.
- ۲۳- این موارد از لیست شوارتز به دلیل کاملتر بودن برگرفته شده است. ما مواردی را که در لیست روسدلسکی وجود نداشت با خطوط درشت متمایز کردیم.
- ۲۴- روسدلسکی توضیح می دهد که در این جا احتمالاً از طرف مارکس یا ویراستاران اشتباهی رخ داده است، چون در واقع این مطلب در فصل ۱۹ جلد اول آمده است نه فصل پنجم.
- 25- Wygodski, Witali (1967) Die Geschichte einer grossen Entdeckung. ویتالی ویگودسکی
- 26- Meek, Ronald, Studis in the Labour Theory of Value, London, 1973.
- این کتب توسط زنده یاد محمد رضا سوداگر به فارسی ترجمه شده است.
- 27- Mandel, Ernest. "Intorduction" to Capital Vol, 1, Penguin Books, 1982, o 29.
- 28- O, malley, J and K. Algozin; Rubel on Karl Marx Five Essays. Cambride. 1980, p 192.
- Mc Iellan, D. (1971) Introduction to the "Grundrisse" p.9.
- 29- Oackley, A. the Making of Marx Critical theory, 1983, p.114.
- ۳۰- درجایان نیز در این زمینه بحث هائی در گرفته است که ما برای اجتناب از طولانی شدن کلام به آنها صرفاً اشاره می کنیم. طی دهه ۱۹۳۰، سافرو کوروما در جریان بررسی نظریه بحران، اعلام داشت که کتاب سرمایه در اصل بخش "سرمایه به طور عام" از کتاب اول طرح اولیه شامل ۶ کتاب است و برنامه مارکس برای نقد اقتصاد سیاسی کامل نیست. سالهای پس از جنگ این نظر نفوذ خود را از دست داد. در سال ۱۹۵۴، کینز ابورو ساتو قبل ۱۹۵۷ - از این که موج بحثها درباره گروندریسه در کشورهای غربی آغاز شود با استفاده از یادداشتهای ۵۸ مارکس نوشت که مباحث کارمزدی و مالکیت ارضی و همین طور رقابت و اعتبار تا اندازه ای که به منطق سرمایه مربوط می شود در کتاب سرمایه مورد بحث قرار گرفته اند، ولی این امر اختصاص کتابی مخصوص به این مباحث را منتفی نمی کند. طی سالهای ۷۰ کوجیرو تاکاگی مترجم گروندریسه به جاپانی و ایشیرو سکین از این نظر دفاع می کردند که کتاب سرمایه در واقع حاوی سه کتاب اول، یعنی سرمایه، مالکیت ارضی و کارمزدی از طرح شش کتاب است. در سالهای دهه ۸۰ نظرات کورو اونو در بین مارکسیستهای جاپانی نفوذ قابل توجهی به دست آورد.
- به نظر پیروان مکتب اونو، کتاب سرمایه اثری است در سطح بالای تجرید که روابط درونی سرمایه را در حالت ناب خود در نظر می گیرد و در آن مقولات دیگر همچون مالکیت ارضی و کارمزدی تا آن جا مورد بررسی قرار می گیرند که از جنس ارزش و تابع روابط ارزشی باشند. در این حالت عوامل غیر از سرمایه، تابع منطق سرمایه و تا آن جا

مورد بررسی قرار می گیرند که مزاحمتی برای حرکت قانونمند و ضروری سرمایه ایجاد نکنند(مراجعه کنید به نقد آلبریتون به لئووتیز در همین مقدمه).

31- Jahn, Wolfgang u. Roland Nietzold. 1978.“probleme der Entwicklung der Marxschen politischen Ökonomie im Zeitraum von 1850 bis 1863. Marx- Engels- Jahr Buch, No 1. Berlin DDR. S 145-174.

32- Müller, M (1978). Auf dem Weg zum „Kapita“. Berlin. S. 120-131.

33- K, Marx, Zur Kritik der politischen Ökonomie(1861-63), MEGA,II Abteilung BD,3 Teil 1. Berlin. 1976.s.39.

. 171 ص همانجا، 34- .

. 2 ص . همانجا 35- 171.

36- K, Marx, Zur Kritik der politischen Ökonomie(1861-63) Heft xx, Manuskript, s. 1292.

37- Schwarz, W, Vom “Rohentwurf” zum “Kapital”, Berlin.

شوارتز نشان می دهد که چگونه در سراسر بخش ششم، یعنی فصلهای ۱۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰، و ۳۸ این بحث ادامه دارد.

۳۹- کارل مارکس، سرمایه، جلد اول، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، آگاه ۱۳۸۶، ص ۵۸۳

۴۰- شوارتز، ص ۷۰

۴۱- شوارتز، ص ۷۱

۴۲- برای به دست آوردن تصویری روشن از این موضوع مراجعه کنید به

Smith, tony. The Logic of Marx`s Capital. Newyork, ۱۹۹۹. ۳۱۲ - جلد ۳۱، ص ۳۱۳

۴۳- نامه مارکس به انگلس به تاریخ ۲۷ جون ۱۸۶۷

۴۴- ما در این جا قصد اثبات این گزاره ها را نداریم. برای اثبات آنها باید به آثار مارکس و سایر اقتصاددانان مارکسیست مراجعه کرد.

45- MEW 32,S.71.

۴۶- هدف مارکس در این فصل(فصل ۲۰) این نیست که به تحلیل روابط اقتصادی بین المللی بپردازد. او بیشتر در چار چوب اشکال گاه مزدی و کار مزدی در کشورهای مختلف باقی می ماند تا نشان دهد که چگونه اختلاف زمانی ارزش نیروی کار برای کشورهای متفاوت همچون تفاوت هم زمان مردهای ملی ظاهر می شود. مقایسه مزد در ملت-های مختلف به مقایسه ترکیبی گاه مزد و کار مزد در کشورهای مختلف نیاز دارد: "سطحی ترین مقایسه ها نیز مستلزم تحویل میانگین مزد روزانه برای رشته های همانند در کشورهای متفاوت به کار روزانه هم مقداری است.

پس از برقراری چنین معادله ای بین مردهای روزانه، باید بار دیگر گاه مزد به کارمزد تبدیل شود. زیرا تنها کارمزد می تواند مقیاس بهره وری و نیز مقدار شدت کار باشد. "سرمایه جلد اول ترجمه حسن مرتضوی، ص ۶۰۰

47- Heinrich, Michael(1989) Capital in General and Structure of Marx, Capital; Capital&Class No 38.

۴۸- مایکل لئووتیز، فراسوی سرمایه، برگردان فروغ اسدپور.

49- Shortall, Felton c. 1994. the Incomplete Marx.(Aldershot, Aveburg).

50- Lapidés, Kenneth. 1998. Marx's Wage theory in Historical Perspectiv. USA.

."Henrk Grossmann and

۵۱- در این مورد علاوه بر " نظریهٔ مزد مارکس " اثر لاپیدس مراجعه کنید به

the Depte on the Theoretical Staus of Marx's Capital. Scienc and Society, Vol 56, no 2.

Lapidés, Kenneth.(1992) p133-162.

۵۲- شورتال به پیروی از آنتونیو نگری معتقد است که گروندریسه از لحاظ نظری به سرمایه برتری دارد.

۵۳- این نظر در بین صاحب نظران مارکسیست بی سابقه نیست. ای. پی. تامپسون در فقر نظریه می گوید: کتاب سرمایه مطالعهٔ منطق سرمایه است نه سرمایه داری... مبارزهٔ طبقاتی بیرون از نظام بستهٔ منطق اقتصادی جریان می یابد" (ص ۶۵). یا آنتونیو نگری می گوید: "کتاب سرمایه نقش ذهنیت را در عینیت حل می کند."

.Marx Beyand Marx p.18.

۵۴- همان اثر از شورتال ص ۴

۵۵- مانفرد مولر هم به این نکته اشاره کرد.

مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۳۰، ص ۵

۵۶- نیویورک، انتشارات بین المللی

۵۷- مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۳۴، ص ۵

۵۸- این بخش به عنوان ضمیمه به جلد اول کتاب سرمایه اضافه شده است. سرمایه، جلد اول انتشارات پنگونن،

۱۹۷۶

۵۹- به نقل از لیووتیز، همان اثر، ص ۸۹

۶۰- کارل مارکس، سرمایه، جلد اول، ترجمه حسن مرتضوی، ص ۵۸۳

61- Hegel, G.W.F.(1968) Gesammelte Werke, Band11.ss 356-360.

۶۲- سرمایه، (۱۹۸۱) جلد سوم، نیویورک، به نقل از لیووتیز، ص ۶۲

۶۳- سرمایه، جلد اول، نیویورک، ص ۷۱۸

۶۴- بحث در بارهٔ نیاز و جامعهٔ سرمایه داری خود نوشتهٔ مستقلی میطلبد. ما در این جا به اشارهٔ مختصری

. Heller,A. the اکتفا کرده ایم. در این مورد سه اثر مهم وجود دارد که کاملاً به این موضوع اختصاص دارند

Theory of Needs in Marx,london, 1976. Springborg ,p. the peorblem of Human Needs and the Critique of Civilisation,London,1981. Soper.K. on Human Needs,London.1981.

۶۵- این اصطلاح توسط پل باران و پل سونیزی در کتاب سرمایه انحصاری به کار گرفته شده است.

۶۶- به نقل از لیووتیز، همان اثر، ص ۳۸. او ظاهراً این مسأله را مستقل از مبارزهٔ طبقاتی مطرح می کند.

67- Marx,K.1973.Grundrisse,p.287.Newyork.

۶۸- لیووتیز به پل سامونلسون و جون رابینسون اشاره میکند.

69- Marx,K.1973.Grundrisse,p. 817.Newyork.

۷۰- بسیاری از پیروان و منتقدان مارکس این پیشفرض را به عنوان نظر نهانی مارکس پنداشته اند و به همین علت نظریهٔ فقر فزاینده را به او نسبت می دهند.

۷۱- مارکس برای سطح نیازهای لازم و بارآوری اجتماعی حالتیهای مختلفی را در کتاب سرمایه و یادداشت های

۶۱-۶۳ در نظر می‌گیرد. برای توضیح این حالت‌های مختلف به کتاب "فراسوی سرمایه"، فصل ششم تحت عنوان "مزدها" مراجعه کنید.

۷۲- فراسوی سرمایه ص ۱۹۵

۷۳- نمونه‌چنین برداشتی را می‌توان در آثار زیر مشاهده کرد:

کاستوریادس، ك، " درباره تاریخ جنبش کارگری"، مجله تلوس، شماره ۳۰ - ۳۱۷ موشه پوستون، زمان، کار و سلطه اجتماعی، ص ۲۰

Cohen, Jean (1982) Class and Civil Society, P 11.

۷۴- لیبوتیز در اثر خود به نقش سرمایه در بازار کار، در روند تولید، به عنوان مالک محصولات کار و میانجی تقسیم کار در جامعه می‌پردازد. اما در استنتاج سوژه انقلابی با تأکید و به صراحت به تضاد بازتولید سرمایه و بازتولید نیروی کار تکیه می‌کند.

75-Arthur, Ch. The New Dialectic and Marxs Capital, 2002, p 53-57.

76-Wood, E.M. the Retreat From Class. 1986, p 90.95.

۷۷- به مقاله آلبریتون در این مجموعه مراجعه شود.

۷۸- کارل مارکس، سرمایه، جلد اول، ترجمه حسن مرتضوی، ص ۱۰۱. برای توضیح بیشتر در این مورد به سرمایه جلد اول فصل اول، سرشت بنواریه کالا مراجعه کنید.

۷۹- پاسخ لیبوتیز به انتقادکنندگان را در همین مجموعه می‌توانید قرائت کنید.